بسم الله الرحمن الرحیم

پاسخ به شبهه ی اسلام ستیزان؛ امام حسین : ما از تبار قریش هستیم و هواخواهان ما عرب و دشمنان ما ایرانی ها هستند! زنان ایرانی را بفروشید!

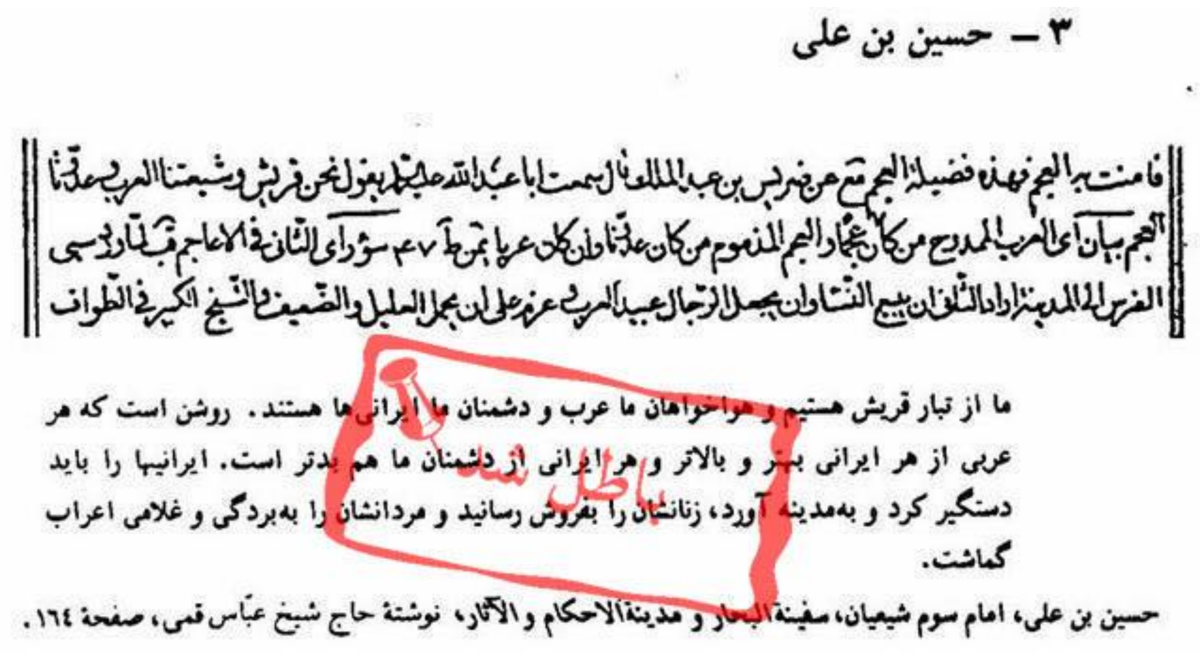
یکی از شبهاتی که چند سال اخیر در حجم وسیعی به وسیله ی اسلام ستیزان که بنای کارشان بر حقه بازی و شیادی است منتشر شده، عبارتی است که بر اساس آن مدعی می شوند امام حسین علیه السلام به ایرانی ها توهین کرده و آنان را پایین تر از اعراب دانسته است و عرب را بر هر قومی برتری داده و سپس توصیه کرده است که زنان ایرانی را در بازار بفروشید و مردانشان را به بردگی بگیرید!

این شیادان به همراه این ادعای دروغین خویش معمولا عکسی را نیز منتشر می کنند که ما در ادامه متن شبهه ی دشمنان اسلام این تصویر را آورده و سپس به ادعای دروغین آنان پاسخ می دهیم.

متن شبهه

در کتاب سفینة البحار آمده است :

حسین بن علی می گوید : «ما از تبار قریش هستیم و شیعیان ما (پیروان ما) عرب و دشمنان ما عجمان (ایرانیان) هستند.روشن است که هر عربی از هر ایرانی بهتر و بالاتر و هر ایرانی از دشمنان ما هم بدتر است.(العجم المذموم من کان عدونا) ایرانیان را باید دستگیر کرد و به مدینه آورد، زنانشان را بفروش رسانید و مردانشان را به بردگی و غلامی اعراب گماشت.(...الرجال عبید العرب)»



۳ – حسین بن علی

فامت به العجم فهذه فضیلة العجم ... عن ضریس بن عبد الملک قال سمعت ابا عبد الله علیه السلام یقول نحن قریش وشیعتنا العرب وعدونا
العجم بیان أی العرب الممدوح من کان عجماً والعجم المذموم من کان عدونا وان کان عربیا ... سؤال الثانی فی الاعاجم ...
الفرس الی المدینة اراد الثانی ان یبیع النساء وان یجعل الرجال عبید العرب عزم علی ان یحمل العلیل والضعیف والشیخ الکبیر فی الطواف

ما از تبار قریش هستیم و هواخواهان ما عرب و دشمنان ما ایرانی‌ها هستند. روشن است که هر عربی از هر ایرانی بهتر و بالاتر و هر ایرانی از دشمنان ما هم بدتر است. ایرانیها را باید دستگیر کرد و به‌مدینه آورد، زنانشان را بفروش رسانید و مردانشان را به‌بردگی و غلامی اعراب گماشت.

حسین بن علی، امام سوم شیعیان، سفینة البحار و مدینة الاحکام و الآثار، نوشتهٔ حاج شیخ عبّاس قمی، صفحهٔ ١٦٤.

پاسخ

اصل این روایت در کتاب «معانی الاخبار» شیخ صدوق (رض) می باشد و علامه مجلسی (رض) آن را در بحار نقل کرده و شیخ عباس قمی (رض) نیز آن را از بحار الانوار اخذ کرده است.

ما ابتدا روایت را از مصدر اصلی آن یعنی «معانی الاخبار» به همراه ترجمه می آوریم و سپس در مورد ادعای دروغین اسلام ستیزان توضیح می دهیم.

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ [أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ] عَنِ الْحَسَنِ بْنِ يُوسُفَ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ ضُرَيْسِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ نَحْنُ قُرَيْشٌ وَ شِيعَتُنَا الْعَرَبُ وَ عَدُوُّنَا الْعَجَمُ.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين،(متوفای381هـ)، معاني الأخبار،ص 403 و 404،ح 71، التحقيق : غفاری، علی اکبر، ناشر: جامعه مدرسين – قم، نوبت چاپ : اول، 1403 هـ .

ضریس بن عبد الملك می گوید شنیدم که امام صادق علیه السلام فرمودند : ما قریش هستیم و شیعیان ما عرب هستند و دشمنانمان عجم.

نکته ی اول : اسلام ستیزان شیاد و دروغگو و جاهل این روایت را به «امام حسین» علیه السلام نسبت داده اند و علت چنین گافی از سوی آنان این است که پنداشته اند منظور از «ابا عبد الله» فقط امام حسین علیه السلام می باشد ! حال آن که در این روایت مقصود از «ابا عبد الله» امام صادق علیه السلام می باشد.بنا بر این، این روایت منقول از امام صادق علیه السلام است و نه امام حسین علیه السلام.

نکته ی دوم : اسلام ستیزان شیاد با فریب و نیرنگ متنی را در ادامه ی این روایت آورده و سعی کرده اند آن را جزو حدیث جلوه دهند! آن متن (همانطور که در بالا آمد) چنین است :

"روشن است که هر عربی از هر ایرانی بهتر و بالاتر و هر ایرانی از دشمنان ما هم بدتر است.(العجم المذموم من کان عدونا) ایرانیان را باید دستگیر کرد و به مدینه آورد، زنانشان را بفروش رسانید و مردانشان را به بردگی و غلامی اعراب گماشت.(...الرجال عبید العرب)»"

حقیقت آن است که این عبارات اصلا جزو متن حدیث منسوب به امام صادق علیه السلام نمی باشد!

با مراجعه به سفینة البحار شیخ عباس قمی (رض) (که روایت را از بحار الانوار نقل کرده است) در می یابیم که عبارت***«روشن است که هر عربی از هر ایرانی بهتر و بالاتر و هر ایرانی از دشمنان ما هم بدتر است»*** اصلا در هیچ جای متن وجود ندارد !!! یعنی در حقیقت اسلام ستیزان شیاد از خود عبارتی جعل کرده و به دروغ نسبت داده اند! (در ادامه خواهیم گفت که در حقیقت این عبارت ترجمه ای وارونه و تحریف شده از شرح علامه مجلسی (رض) بر روایت می باشد)

اما ادامه ی عبارت که می گوید : ***«ایرانیان را باید دستگیر کرد و به مدینه آورد، زنانشان را بفروش رسانید و مردانشان را به بردگی و غلامی اعراب گماشت»*** نیز اصلا جزو متن حدیث منسوب به امام صادق علیه السلام نیست و شیخ عباس قمی (رض) پس از نقل روایت، سخن عمر بن الخطاب را از مناقب ابن شهر آشوب نقل می کند و اینگونه تیتر می زند : «سوء رأي الثاني في الأعاجم» (سوء رای عمر بن الخطاب نسبت به عجم ها)

و در ادامه مطلبی را نقل می کند که اتفاقا نشان دهنده ی احترام امیر المؤمنین (ع) به ایرانی ها و در عین حال بدرفتاری و خشونت عمر بن الخطاب نسبت به ایرانیان می باشد که اسلام ستیزان دروغ پرداز و شیاد آن را هم تحریف شده نقل کرده اند! ما آن مطلب را به صورت کامل در اینجا نقل می کنیم :

سوء رأي الثاني في الأعاجم

المناقب : لما ورد سبي الفرس الى المدينة أراد الثاني أن يبيع النساء وأن يجعل الرجال عبيد العرب وعزم على أن يحمل العليل والضعيف والشيخ الكبير في الطواف وحول البيت على ظهورهم.فقال أمير المؤمنين عليه السلام ان النبي صلى الله عليه وآله وسلم قال : أكرموا كريم قوم وإن خالفوكم وهؤلاء الفرس حكماء كرماء فقد ألقوا الينا السلام ورغبوا في الإسلام وقد أعتقت منهم لوجه الله حقي وحق بني هاشم ... الخ.

القمي،الشيخ عباس (المتوفى 1359 هـ)،سفينة البحار ومدينة الحكم والآثار، ج6، ص 165، الناشر : دار الأسوة، الطبعة : الثانية، 1416 هـ .

سوء رای عمر بن الخطاب نسبت به ایرانی ها

مناقب ابن شهر آشوب : زمانی که اسیران ایرانی به مدینه وارد شدند عمر بن الخطاب قصد داشت تا زنان را در بازار برده فروشان بفروشد و و مردان را به منزله ی بنده ی عرب ها قرار دهد تا در طواف کعبه و اطراف آن افراد ضعیف و ناتوان را بر پشت خود قرار داده و حمل کنند.به همین دلیل امیر المؤمنین علیه السلام فرمود : پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

فرمودند : انسان های کریم و بزرگوار هر قومی را بزرگ بدارید حتی اگر با شما مخالفت کنند و این ایرانیان انسان هایی حکیم و بزرگوارند و بر ما سلام و درود فرستاده اند و نسبت به اسلام میل و رغبت نشان داده اند و من در راه خدا و برای خدا از حق خودم و بنی هاشم نسبت به آنان گذشتم و آنان را در راه خداوند آزاد کردم ... .

ملاحظه می فرمایید که اتفاقا این مطلب نشان دهنده ی محبت اهل بیت نسبت به ایرانیان و خشونت و بدرفتاری عمر بن الخطاب نسبت به آنان می باشد اما اسلام ستیزان دروغگو آن را قیچی کرده و بخش اول آن (سخن عمر بن الخطاب) را به دروغ به اهل بیت نسبت داده و سپس به دروغ آن را داخل در متن حدیث امام صادق علیه السلام کرده و باز هم با دروغ آن را به امام حسین علیه السلام نسبت داده اند !

نکته ی سوم : در ابتدای توضیح نکته ی قبلی گفتیم که عبارت «روشن است که هر عربی از هر ایرانی بهتر و بالاتر و هر ایرانی از دشمنان ما هم بدتر است.(العجم المذموم من کان عدونا)» ترجمه ی تحریف شده از شرح علامه مجلسی (رض) بر روایت است که نشان دهنده ی اوج شیادی اسلام ستیزان می باشد! علامه مجلسی (رض) پس از نقل این روایت از «معانی الاخبار» در «بحار الانوار» بر این روایت شرحی زده و می نویسد:

بيان: و شيعتنا العرب أي العرب الممدوح من كان شيعتنا و إن كان عجما و العجم المذموم من كان عدونا و إن كان عربا.

المجلسي، محمد باقر (المتوفى 1111هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار،ج 64، ص 176، تحقيق: جمعی از محققان، الناشر: دار إحياء التراث العربي- بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403هـ - 1983م.

بیان (توضیح) : عبارت «وشیعتنا العرب» در روایت یعنی عرب ممدوح و مورد ستایش کسی است که شیعه ی ما باشد حتی اگر عجمی (غیر عرب) باشد و عجم مذموم کسی است که دشمن ما باشد حتی اگر عرب باشد.

حال خودتان مقایسه کنید بین این کلام علامه مجلسی (رض) در شرح روایت و ترجمه ی صد در صد تحریف شده به وسیله ی اسلام ستیزان ! مضحک آن که اسلام ستیزان به قدری نسبت به زبان عربی جاهل بوده اند که کلمه ی «بیان» (به معنای توضیح روایت) را به «روشن است» ترجمه کرده اند!

نکته ی چهارم : ممکن است برای کسی این سوال پیش بیاید که پس از پذیرفتن سه نکته ای که در بالا ذکر شد، چه توضیح و دفاعی برای متن اصلی روایت نقل شده از امام صادق علیه السلام در «معانی الاخبار» می توان ارائه داد ؟ آیا همان متن نیز ناظر بر نژاد پرستی و اهانت به ایرانیان یا به طور کلی غیر عرب ها نمی باشد؟

در چند محور به این پرسش پاسخ می دهیم :

الف) با دقت در متن روایت در می یابیم که منظور از «عرب» و «عجم» در متن این روایت به هیچ وجه نمی تواند نژاد عرب و عجم باشد! چرا که اگر فرض کنیم چنین باشد با حقائق مسلم و ثابت شده مخالف است! (قرآن و سنت قطعیه) بسیاری از شیعیان و اصحاب خاص و ممدوح و مورد توجه اهل بیت علیهم السلام غیر عرب بودند و در روایات متعدد مورد ستایش اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته اند و منزلت ویژه ای در نزد آنان داشته اند ! در نقطه ی مقابل افراد فراوانی از عرب و حتی از قریش بودند که مورد لعن و نفرین و طعن اهل بیت علیهم السلام قرار گرفتند! حال چگونه ممکن است مقصود از «عرب» و «عجم» در این روایت را نژاد عرب و غیر عرب فرض کنیم ؟!

حقیقت آن است که «قریش» و «عرب» و «عجم» در این روایت ناظر به مقام و منزلت می باشد و اتفاقا قرائن داخلی در این روایت نشان می دهد که اهل بیت علیهم السلام در مقام پاسخ به کسانی که نژاد عرب را بر سایر نژادها برتری می داده اند چنین فرموده اند.(شاهد روائی از کلام اهل بیت در اثبات این مدعا در ادامه خواهد آمد) به این معنا که قائلین به برتری نژاد عرب و به خصوص عرب قریش بر سایر نژادها، قریش را بر سایر اعراب و سایر اعراب را بر غیر اعراب برتری می داده اند (این مساله در تاریخ امری مشهور است به خصوص

در میان کفار و مشرکین قریش) و اینجا بود که اهل بیت علیهم السلام فرموده اند : «**نَحْنُ قُرَیْشٌ وَ شِیعَتُنَا الْعَرَبُ وَ عَدُوُّنَا الْعَجَمُ**».یعنی این ما اهل بیت هستیم [که به عنوان برگزیدگان الهی] آن «قریش»ای هستیم که شما تصور می کنید و این شیعیان ما هستند که آن «عرب»ی هستند که شما تصور می کنید و مصداق حقیقی «عرب» آنان هستند و این دشمنان ما اهل بیت هستند که «عجم»ی هستند که شما تصور می کنید. (نژاد پرستان قریش، تمام کمالات را برای عرب قریش و تمام رذائل را برای غیر عرب متصور بودند)

به همین دلیل است که علامه مجلسی (رض) در شرح این روایت در توضیحی مختصر و کاملا دقیق می نویسد :

بيان: و شيعتنا العرب أي العرب الممدوح من كان شيعتنا و إن كان عجما و العجم المذموم من كان عدونا و إن كان عربا.

المجلسي، محمد باقر (المتوفى 1111هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار،ج 64، ص 176، تحقيق: جمعى از محققان، الناشر: دار إحياء التراث العربي– بيروت – لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403هـ – 1983م.

بیان (توضیح) : عبارت «وشیعتنا العرب» در روایت یعنی عرب ممدوح و مورد ستایش کسی است که شیعه ی ما باشد حتی اگر عجمی (غیر عرب) باشد و عجم مذموم کسی است که دشمن ما باشد حتی اگر عرب باشد.

اساسا همانطور که در ابتدای این محور از پاسخ گفتیم به هیچ وجه نمی توان مقصود از «عرب» و «عجم» در این روایت را نژاد دانست چرا که با مدح خیل عظیم افرادی که غیر عرب بوده اند از سوی اهل بیت علیهم السلام و همچنین لعن و تکفیر و تفسیق بسیاری از دشمنانِ عربِ اهل بیت علیهم السلام سازگاری ندارد و قبل از آن با قرآن کریم سازگاری نخواهد داشت و هر روایت یا برداشت و فهمی نیز که مخالف قرآن کریم باشد باطل است.

ب) با مراجعه به سایر روایات اهل بیت علیهم السلام با ادبیات مشابه در می یابیم که استدلال ما در محور «الف» تایید می شود.به این معنا که مقصود اهل بیت علیهم السلام در روایاتی از این دست از «عرب» و «عجم» به هیچ وجه «نژاد» عرب و عجم نمی باشد بلکه منظور صفات پسندیده و مقام و منزلت و ایمان می باشد و اتفاقا با مراجعه به کتب لغت نیز این استدلال تایید می شود.ابتدا به نکاتی از کتب لغت و سپس به سایر روایاتی از این دست اشاره می کنیم. (دقت داشته باشید که چون نمی توانیم بر اساس توضیحاتی که دادیم معنای رایج و مشهور عرب را در اینجا اعمال کنیم بایستی به سراغ معانی دیگر آن برویم و در مورد کلمه ی عجم نیز چنین است)

عَرَبٌ عارِبةٌ وعَرْباءُ: صُرَحاءُ. (کاربرد در معنای انسان خالص و پاک و روشن)

الأفريقي المصري، جمال الدين محمد بن مكرم بن منظور (المتوفى 711هـ)، لسان العرب،ج1، ص 586، الناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: الأولى.

(با توجه به معنای بالا، در روایات مورد بحث «عجم» نیز مخالف معنای ذکر شده را خواهد داشت)

اکنون روایات اهل بیت علیهم السلام :

عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَهْمِ بْنِ أَبِي جُهَيْمَةَ عَنْ بَعْضِ مَوَالِي أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: كَانَ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ع رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ فَجَعَلَ يَذْكُرُ قُرَيْشاً وَ الْعَرَبَ فَقَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ ع عِنْدَ ذَلِكَ دَعْ هَذَا النَّاسُ ثَلَاثَةٌ عَرَبِيٌّ وَ مَوْلًى وَ عِلْجٌ فَنَحْنُ الْعَرَبُ وَ شِيعَتُنَا الْمَوَالِي وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى مِثْلِ مَا نَحْنُ عَلَيْهِ فَهُوَ عِلْجٌ فَقَالَ الْقُرَشِيُّ تَقُولُ هَذَا يَا أَبَا الْحَسَنِ فَأَيْنَ أَفْخَاذُ قُرَيْشٍ وَ الْعَرَبِ فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ ع هُوَ مَا قُلْتُ لَكَ.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (المتوفى 328 هـ)، الكافي، ج 8، ص 226 و 227، ح 184،تحقيق: علي اكبر الغفاري، ناشر: دار الكتب الإسلامية، تهران- ايران، الطبعة الرابعة،1407هـ .

یکی از موالی امام کاظم علیه السلام از ایشان نقل می کند که فرمودند : شخصی از قریش در نزد امام کاظم علیه السلام بود و از قریش و عرب می گفت (یعنی از مفاخر آنان).پس امام کاظم علیه السلام به او فرمود : این سخنان را رها کن.مردم سه دسته اند : «عربی» و «مولی» (وابسته به عرب) و «علج» (کفار عجم).عرب ماییم و موالی (وابسته به عرب) شیعیان ما هستند و هرکس که بر طریقه ی ما نباشد «علج» (کافر غیر عرب) است.آن مرد قریشی به امام کاظم علیه السلام گفت : ای ابو الحسن، این چنین می گویی ؟! پس خاندان های قریش و عرب کجایند ؟! امام کاظم علیه السلام فرمودند : حقیقت آن است که برایت گفتم.

ملاحظه می فرمایید که اصلا مقصود از «عرب» و «عجم» در چنین روایاتی ناظر به نژاد نیست بلکه ناظر به ایمان و مقام و منزلت است و همانطور که در بالا گفتیم، اتفاقا ائمه ی اهل بیت علیهم السلام همانند آن چه در این روایت ملاحظه کردید، در مقام پاسخ به نژاد پرستان و متعصبان از عرب و قریش و رد تعصب نژادی آنان چنین گفته اند تا جایی که آن افراد متعصب بر نژاد عربی و قُرَشی تعجب نیز کرده اند!

ملا صالح مازندرانی در شرح روایت فوق می نویسد :

بقوله (دع هذا الناس ثلاثة عربی و مولی و علجا فنحن العرب و شیعتنا الموالی و من لم یکن علی مثل ما نحن علیه فهو علج) اشار بتقسیم الناس الی ثلاثة اقسام الی أن المزیة و الکمال و الشرافة المعتبرة شرعا و عقلا انما هی دینیة و أراد بالعرب من قنن القوانین الشرعیة و أوضحها و بین الامور الدینیة و أفصحها و هو محمد صلی اللّه علیه و آله و أوصیاؤه علیهم

السلام و بالموالی من تبعهم و نصرهم و أحبهم و وفی بعهدهم و هم الشیعة و بالعلج و هو الحمار الوحشی و الکافر العجمی الّذي لا یفهم المقاصد و لا یعرف المراشد من سواهم ...

المازندراني، مولی محمد صالح (المتوفی1081هـ)، شرح أصول الکافي، ج 12، ص 288،محقق / مصحح: ابوالحسن شعرانی ، الناشر: المکتبة الإسلامیة – طهران، الطبعة : الأولی، 1382 هـ .

امام علیه السلام با این سخن که : «این سخنان را رها کن.مردم سه دسته اند : «عربی» و «مولی» (وابسته به عرب) و «علج» (کفار عجم).عرب ماییم و موالی (وابسته به عرب) شیعیان ما هستند و هرکس که بر طریقه ی ما نباشد «علج» (کافر غیر عرب) است» به تقسیم مردم به سه دسته اشاره کردند که برتری و کمال و شرافتی که در شرع و عقل محل اعتبار است شرافت دینی است و مقصود امام علیه السلام از «عرب» کسانی است که احکام شرعی را پایه گذاری کرده و آن را برای مردم واضح ساخته و امور دینی را برای آنان روشن ساخته اند و ایشان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و جانشیانش می باشند می باشند و مقصود از «موالی» کسان می باشد که از آنان پیروی کرده و آنان را یاری کرده و دوست داشته اند و به عهدشان وفا کرده اند و آنان شیعیان می باشند و مقصود از «علج» که حمار وحشی و کافر غیر عرب می باشد کسی است که اهداف و مقاصد شریعت و راه ها را از بی راهه نمی شناسد ...

أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ يُوسُفَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ع قَالَ قَالَ: النَّاسُ ثَلَاثَةٌ عَرَبِيٌّ وَ مَوْلًى وَ عِلْجٌ فَأَمَّا الْعَرَبُ فَنَحْنُ وَ أَمَّا الْمَوْلَى فَمَنْ وَالانَا وَ أَمَّا الْعِلْجُ فَمَنْ تَبَرَّأَ مِنَّا وَ نَاصَبَنَا.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين،(المتوفى 381هـ)، معاني الأخبار،ص 403،ح 70، التحقيق : غفارى، على اكبر، ناشر: جامعه مدرسين – قم، نوبت چاپ : اول، 1403 هـ .

صالح بن عقبه از امام كاظم عليه السلام نقل مى كند كه ايشان فرمودند : مردم سه دسته اند.«عربى» و «مولى» (وابسته به عرب) و «علج» (كافر غير عرب).اما عرب ما [اهل بيت] هستيم و «مولى» (وابسته به عرب) آنان كه موالات ما را در پيش گيرند و «علج» (كافر غير عرب) كسى است كه از ما بيزارى جويد و نسبت به ما دشمنى بورزد.

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ سَلَمَةَ عَنْ عُمَرَ بْنِ سَعِيدِ بْنِ خُثَيْمٍ عَنْ أَخِيهِ مَعْمَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ع قَالَ: نَحْنُ الْعَرَبُ وَ شِيعَتُنَا مِنَّا وَ سَائِرُ النَّاسِ هَمَجٌ أَوْ هَبَجٌ قَالَ قُلْتُ وَ مَا الْهَمَجُ قَالَ الذُّبَابُ قُلْتُ وَ مَا الْهَبَجُ قَالَ الْبَقُ.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين،(المتوفى 381هـ)، معاني الأخبار،ص 404،ح 72، التحقيق : غفارى، على اكبر، ناشر: جامعه مدرسين – قم، نوبت چاپ : اول، 1403 هـ .

معمر از امام جواد عليه السلام نقل مى كند كه ايشان فرمودند : ما «عرب» هستيم و شيعيانمان از ما هستند و ساير مردم همج يا هبج هستند.(نوعى مگس بسيار ريز شبيه پشه كه بر روى بدن چارپايان مى نشيند).معمر مى گويد پرسيدم همج چيست ؟ امام فرمودند : مگس.پرسيدم هبج چيست؟ امام فرمودند : پشه.

أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَخِي دَارِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَسَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ مَنْ وُلِدَ فِي الْإِسْلَامِ فَهُوَ عَرَبِيٌّ وَ مَنْ

دَخَلَ فِيهِ طَوْعاً أَفْضَلُ مِمَّنْ دَخَلَ فِيهِ كَرْهاً وَ الْمَوْلَى هُوَ الَّذِي يُؤْخَذُ أَسِيراً مِنْ أَرْضِهِ وَ يُسْلِمُ فَذَلِكَ الْمَوْلَى.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين،(المتوفى 381هـ)، معاني الأخبار،ص 404،ح 74، التحقيق : غفارى، على اكبر، ناشر: جامعه مدرسين – قم، نوبت چاپ : اول، 1403 هـ .

محمد بن مسلم از امام باقر عليه السلام نقل مى كند كه ايشان فرمودند : كسى كه بر اسلام به دنيا بيايد «عربى» است و هركس كه با ميل خود مسلمان گردد افضل است از كسى كه از روى بى ميلى مسلمان شده است و «مولى» آن كسى است كه از سرزمين خودش به اسارت گرفته شده و سپس اسلام مى آورد و در نتيجه «مولى» است.

سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ عَبْدِ رَبِّهِ بْنِ رَافِعٍ عَنِ الْحُبَابِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَنْ وُلِدَ فِي الْإِسْلَامِ حُرّاً فَهُوَ عَرَبِيٌّ وَ مَنْ كَانَ لَهُ عَهْدٌ فَخُفِرَ فِي عَهْدِهِ فَهُوَ مَوْلًى لِرَسُولِ اللَّهِ ص وَ مَنْ دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ طَوْعاً فَهُوَ مُهَاجِرٌ.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (المتوفى 328 هـ)، الكافي، ج 8، ص 148، ح 126،تحقيق: علي اكبر الغفاري، ناشر: دار الكتب الإسلامية، تهران–ايران، الطبعة الرابعة،1407هـ .

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين،(المتوفى 381هـ)، معاني الأخبار، ص 405، ح 77، التحقيق : غفارى، على اكبر، ناشر: جامعه مدرسين – قم، نوبت چاپ : اول، 1403 هـ .

حباب بن موسى از امام باقر عليه السلام نقل مى كند كه ايشان فرمودند : هر آن كس كه آزاد بر اسلام به دنيا بيايد «عربى» است و هر آن كس كه عهدى دارد و بدان عهد عمل كند

وابسته ی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است و هر آن کس که با میل خویش مسلمان گردد مهاجر به حساب می آید.

علامه مجلسی (رض) در شرح روایت فوق می نویسد :

قوله عليه السلام:" من ولد في الإسلام حرا فهو عربي" أي الأخبار الواردة في مدح العرب تشتمل كل من ولد في الإسلام حرا و كان على دين الحق و لو كان من العجم، لورود كثير من الأخبار أنهم يحشرون بلسان العرب، و إن كان على غير دين الحق يحشر بلسان العجم و إن كان من العرب.

المجلسي، محمد باقر (متوفای 1111هـ)، مرآة العقول في شرح اخبار آل الرسول،ج 25، ص 357، ناشر: دار الكتب الإسلامية ـ تهران، الطبعة : الثانية،1404هـ ـ 1263ش.

این قول امام علیه السلام که فرمودند : «هر آن کس آزاد بر اسلام زاده شود عربی است» منظور از آن اخبار وارد شده در زمینه ی مدح و ستایش «عرب» است و تمامی کسانی که آزاد بر اسلام به دنیا آمده اند و بر دین حق بوده اند حتی اگر [از جهت نژادی] غیر عرب باشند به دلیل ورود بسیاری از روایاتی که می گوید آنان در قیامت به زبان عربی مشهور می شوند و اگر بر غیر دین حق باشند به زبان غیر عرب محشور می شوند حتی اگر [از جهت نژادی] عرب باشند.

ملا صالح مازندرانی در شرح این روایت می نویسد :

(من ولد فی الاسلام حرا فهو عربی) لعل المراد بالعرب محمد رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله لانه سید العرب و النسب صوری و معنوی و بعبارة اخری جسمانی و روحانی، و المراد بهذا النسب المعنوی الروحانی و سیجيء ان النسب الّذي یصلح للتفاخر به هو الاسلام.

المازندراني، مولی محمد صالح (المتوفی1081هـ)، شرح أصول الكافي،ج 12، ص 149، تحقيق: مع تعليقات: الميرزا أبو الحسن الشعراني / ضبط وتصحيح: السيد علي عاشور، ناشر: دار إحياء التراث العربي للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت – لبنان، چاپ: الأولى1421 – 2000 م.

چه بسا منظور از عبارت «هر آن کس که آزاد بر اسلام متولد گردد عربی است» آن است که «عرب» پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است چرا که او سید العرب است و نسب هم صوری است و هم معنوی و به عبارت دیگر نَسَب هم جسمانی است و هم روحانی و منظور از نسب در این روایت، نَسَب معنوی روحانی است و در ادامه خواهد آمد که آن نَسَبی که شایسته ی افتخار کردن می باشد اسلام است.

عَنْهُ عَنْ یَحْیَی بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ أَوْ غَیْرِهِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع نَحْنُ بَنُو هَاشِمٍ وَ شِیعَتُنَا الْعَرَبُ وَ سَائِرُ النَّاسِ الْأَعْرَابُ.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (المتوفى 328 هـ)، الكافي، ج 8، ص 166، ح 183،تحقيق: علي اكبر الغفاري، ناشر: دار الكتب الإسلامية، تهران–ايران، الطبعة الرابعة،1407هـ .

امام صادق علیه السّلام فرمودند : ما بنی هاشم هستیم و شیعیان ما عرب هستند و سایر مردم اعراب بیابان گرد می‌باشند.

نکته ی جالب این روایت آن است که «اعراب بیابان گرد» نیز از نژاد «عرب» هستند و اگر قرار بود «عرب» در ابتدای روایت صرفا به معنای نژاد عرب باشد دیگر روایت بار معنایی قابل توجهی نمی داشت و به همین دلیل است که ما نیز گفتیم بایستی به سراغ سایر معانی و استعمالات برویم تا در فهم معنای این دسته از روایت دچار مشکل نشویم.در این روایت نیز همانطور که گفتیم مقصود از «عرب» بحث مقام و منزلت می باشد و دارا بودن صفات کمال و شیعیان اهل بیت علیهم السلام نیز چون به واسطه ی تبعیت از اهل بیت علیهم السلام دارای بالاترین مقامات می باشند مصداق «عرب» می شوند حتی اگر از جهت نژادی غیر عرب باشند.

علامه مجلسی (رض) نیز در شرح این روایت می نویسد :

قوله عليه السلام:" نحن بنو هاشم" أي ما ورد في مدح بني هاشم فالمراد أهل البيت عليهم السلام، أو من تبعهم على الحق أيضا، لا من خرج من أولاد هاشم عن الحق و كفر بالله بادعاء الإمامة بغير حق، كبني عباس و أضرابهم، و ما ورد في مدح العرب فالمراد به جميع الشيعة و إن كانوا من العجم، لأنهم يحشرون بلسان العرب، و سائر الناس من المخالفين هم الأعراب الذين قال الله فيهم"الْأَعْرابُ أَشَدُّ كُفْراً وَ نِفاقاً" و الأعراب سكان البادية و إنما ذمهم الله لبعدهم عن شرائع الدين، و عدم هجرتهم إلى نصرة سيد النبيين، و المخالفون مشاركون لهم في تلك الأمور.

المجلسي، محمد باقر (متوفاى 1111هـ)، مرآة العقول في شرح اخبار آل الرسول،ج 26، ص 35، ناشر: دار الكتب الإسلامية ـ تهران، الطبعة : الثانية،1404هـ ـ 1263ش.

این قول امام علیه السلام که «ما بنی هاشم» یعنی آن که هر آن چه در مدح بنی هاشم در روایات آمده است منظور از آن اهل بیت علیهم السلام می باشد یا هر آن کس که در مسیر حق از ایشان تبعیت کند نه آن کسی از بنی هاشم که از مسیر حق خارج گردد و با ادعای امامت به ناحق نسبت به خداوند کافر گردد مانند بنی عباس و مانند آنان و آن چه که در روایات در مدح و ستایش عرب وارد شده است منظور از آن تمام شیعیان است حتی اگر

[از جهت نژاد] غیر عرب باشند چرا که آنان در قیامت به زبان عربی محشور می گردند و سایر مردم از مخالفین شیعه همان اعرابی هستند که خداوند در قرآن کریم در موردشان فرموده است : "الْأَعْرابُ أَشَدُّ كُفْراً وَ نِفاقاً" و مقصود از «اعراب» [از جهت لغت] ساکنان صحرا می باشد و خداوند آنان را به دلیل دوریشان از احکام دین و هجرت نکردشان برای یاری سرور پیامبران سرزنش کرده است و مخالفین شیعه با آنان در این امور شریك هستند.

ابن قاریاغدی نیز در شرح این روایت می نویسد :

ولعلّ المراد بهذا الحديث أنّ ما ورد في مدح بني هاشم وشرفهم ولزوم متابعتهم فهو فينا أهل البيت، واحتمال إرادة الأعمّ بحيث يشمل سائر بني هاشم سوى من خرج عن الحقّ منهم- كبني عبّاس وأضرابهم- بعيد جدّاً، بقرينة مقابلة بني هاشم بالشيعة.

وما ورد في مدح العرب فهو في شيعتنا، وإن كانوا من العجم؛ لأنّهم يحشرون بلسان العرب، وما ورد في ذمّ الأعراب، فهو سائر الناس من أهل الخلاف وأهل الكفر والنفاق، حيث قال اللّه عزّ وجلّ: «الْأَعْرابُ أَشَدُّ كُفْراً وَ نِفاقاً».

والأعراب: سكّان البادية، وإنّما ذمّهم اللّه تعالى؛ لبُعدهم عن تحصيل شرائع الدِّين، وتركهم الهجرة إلى أمصار المسلمين، وإعراضهم عن نصرة سيّد المرسلين، والمخالفون مشاركون معهم في ذلك كلّه، بل هم أشدّ كفراً ونفاقاً، حيث يعاندون الحقّ وأهله، ويسعون في تضييع حدود ما أنزل اللّه على رسوله.

ابن قارياغدى، محمد حسين (المتوفى 1089 هـ)، البضاعة المزجاة (شرح كتاب الروضة من الكافي لابن قارياغدي)،ج2، ص 506 و 507، محقق / مصحح: احمدى جلفائى، حميد، ناشر: دار الحديث - قم، الطبعة : الأولى، 1429 ق- 1387 ش.

و چه بسا منظور از این حدیث آن باشد که آن چه در روایات در مدح بنی هاشم و شرف ایشان و لزوم پیروی از آنان وارد شده است در مورد ما اهل بیت است و احتمال این که عموم بنی هاشم به جز آنان که از مسیر حق خارج شدند ما بنی عباس و امثالشان به قرینه ی مقابله ب بنی هاشم با شیعه بسیار بعید است.

و آن چه که در مورد مدح عرب در روایات وارد شده منظور از آن شیعیان ما اهل بیت است چرا که آنان به زبان عربی در روز قیامت محشور می گردند و آن چه که در مورد سرزنش عرب ها در روایات وارد شده منظور از آن سایر مردم از مخالفین شیعه و کافران و منافقین است آن جا که خداوند می فرماید : «الْأَعْرابُ أَشَدُّ كُفْراً وَ نِفاقاً».

و اعراب ساکنان صحرا هستند و خداوند آنان را به دلیل دوریشان از تحصیل احکام دین و عدم هجرت به سرزمین های مسلمانان و روی گردانیشان از یاری سرور فرستادگان خدوند سرزنش کرده است و مخالفین شیعه در همه ی این موارد با آنان شریك هستند بلکه کفر و نفاقشان شدیدتر از آنان است به این دلیل که نسبت به حق و اهل حق عناد می ورزند و در راستای تضییع حدودی که خداوند بر پیامبرش نازل کرده است تلاش می کنند.

سَهْلٌ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ حَنَانٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع نَحْنُ قُرَيْشٌ وَ شِيعَتُنَا الْعَرَبُ وَ سَائِرُ النَّاسِ عُلُوجُ الرُّومِ.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (المتوفى 328 هـ)، الكافي، ج 8، ص 166، ح 184،تحقيق: علي اكبر الغفاري، ناشر: دار الكتب الإسلامية، تهران–ايران، الطبعة الرابعة،1407هـ .

زراره از امام صادق علیه السلام نقل می کندکه ایشان فرمودند : ما قریش هستیم و شیعیان ما عرب و سایر مردم کفار روم هستند.

و در روایتی جالب که از امام صادق علیه السلام نقل شده است چنین می خوانیم :

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ مَنْ لَمْ يَكُنْ عَرَبِيّاً صُلْباً أَوْ مَوْلًى صَرِيحاً فَهُوَ سِفْلِيٌّ فَقَالَ وَ أَيُّ شَيْءٍ الْمَوْلَى الصَّرِيحُ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ مَنْ مَلَكَ أَبَوَاهُ قَالَ وَ لِمَ قَالُوا هَذَا قَالَ قَالُوا لِقَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ ص مَوْلَى الْقَوْمِ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ أَ مَا بَلَغَكَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ أَنَا مَوْلَى مَنْ لَا مَوْلَى لَهُ وَ أَنَا مَوْلَى كُلِّ مُسْلِمٍ عَرَبِيِّهَا وَ عَجَمِيِّهَا فَمَنْ وَالَى رَسُولَ اللَّهِ ص أَ لَيْسَ يَكُونُ مِنْ نَفْسِ رَسُولِ اللَّهِ ص ثُمَّ قَالَ أَيُّهُمَا أَشْرَفُ مَنْ كَانَ مِنْ نَفْسِ رَسُولِ اللَّهِ ص أَوْ مَنْ كَانَ مِنْ نَفْسِ أَعْرَابِيٍّ جِلْفٍ بَائِلٍ عَلَى عَقِبَيْهِ ثُمَّ قَالَ ص مَنْ دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ رَغْبَةً خَيْرٌ مِمَّنْ دَخَلَ رَهْبَةً وَ دَخَلَ الْمُنَافِقُونَ رَهْبَةً وَ الْمَوَالِي دَخَلُوا رَغْبَةً.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين،(المتوفى 381هـ)، معاني الأخبار،ص 405، ح 78، التحقيق : غفاری، علی اکبر، ناشر: جامعه مدرسين - قم، نوبت چاپ : اول، 1403 هـ .

ابو یحیی واسطی از شخصی نقل می کند که آن شخص به امام صادق علیه السلام گفت مردم (مخالفین شیعه) می گویند هرکس که از نژاد عربی نباشد و یا مولای صریح نباشد پَست و فرومایه است.امام صادق علیه السلام فرمودند : مولای صریح چه کسی است؟ آن شخص گفت : کسی که اگر از نژاد عربی نیست پدر و مادرش مملوك افرادی از نژاد عرب بوده باشند.اما صادق علیه السلام فرمودند : چرا این چنین می گویند ؟ آن شخص گفت : به دلیل این کلام رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که فرمودند : مولای هر قومی از خودشان است.امام علیه السلام [از روی تعجب] فرمودند : سبحان الله ! مگر این سخن

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به تو نرسیده است که ایشان فرمودند : من مولای هر کسی هستم که مولایی ندارد و من مولای هر مسلمانی هستم چه عرب باشد و چه غیر عرب.پس هر کس که پیامبر راولی خود قرار دهد از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نیست ؟ سپس امام علیه السلام فرمودند : کدام یك از این دو شرافتمندانه تر است؟ کسی که از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم باشد یا کسی که عرب بیابان گرد بی نزاکتی باشد که بر پاشنه ی پای خویش ادرار می کند؟ امام علیه السلام سپس فرمودند : هرکس که با میل خویش مسلمان گردد برتر است از کسی که از ترس مسلمان گردد [این کلام امام علیه السلام طعنه و کنایه به منافقان عرب می باشد] و منافقان [مقصود منافقان عرب است] از روی ترس مسلمان شدند و موالی (کسانی که غیر عرب بودند و مسلمان شدند) از روی میل و رغبت اسلام را اختیار کردند.

از مجموع روایاتی که از نظرتان گذشت در می یابیم که در روایاتی از این دست مقصود از «عرب» اهل بیت علیهم السلام و و پیروان حقیقی ایشان می باشد که ممکن است نژادشان عربی باشد یا غیر عربی و مقصود از «عجم» در این روایات، کفار و منافقین می باشد که ممکن است نژادشان عربی یا عجمی باشد و خود ائمه علیهم السلام این چنین کلامشان را برای ما تفسیر کرده و اتفاقا در پاسخ به نژاد پرستان عرب و قریش چنین فرموده اند!

بنا بر این، این روایات نه تنها به سود اسلام ستیزان دروغگو و فریبکار نیست بلکه به ضرر آنان می باشد چرا که نشان دهنده ی مبارزه ی ائمه ی اهل بیت علیهم السلام با نژاد پرستی عربی آن هم در دورانی است که حاکمان ظالم و جنایتکار و نژاد پرست بر مسند قدرت تکیه زده بوده اند!

ج) محور سوم و پایانی آن که روایت مورد استناد اسلام ستیزان از جهت سندی اعتبار ندارد و دارای روات مجهول و ضعیف است.(مانند عثمان بن جبلة که مجهول است) البته بحث سندی برای ما اهمیتی ندارد چرا که متن روایت فاقد هر نوع اشکالی می باشد و با در نظر گرفتن سایر روایات با اسانید دیگر به حقیقت کلام اهل بیت علیهم السلام پی می بریم و اشکال و شبهه ای باقی نمی ماند.

نتایج بحث

1) روایت مورد استناد اسلام ستیزان شیاد منسوب به امام صادق علیه السلام می باشد و نه امام حسین علیه السلام.

2) عبارت «روشن است که هر عربی از هر ایرانی بهتر و بالاتر و هر ایرانی از دشمنان ما هم بدتر است» نه در متن حدیث و نه در هیچ حایی دیگر وجود خارجی ندارد و از جعلیات اسلام ستیزان است و با تحریف و وارونه سازی کامل شرح علامه ی مجلسی (رض) بر روایت این عبارت جعلی و دروغین را جزو متن روایت قرار داده اند.

3) عبارت «ایرانیان را باید دستگیر کرد و به مدینه آورد، زنانشان را بفروش رسانید و مردانشان را به بردگی و غلامی اعراب گماشت» جزو متن روایت نیست! بلکه شیخ عباس قمی آن را از قول عمر بن الخطاب و به نقل از داستانی در کتاب مناقب ابن شهر آشوب پس از نقل روایت مورد بحث آورده است و اتفاقا در ادامه ی داستان، امیر المؤمنین با ایرانیان برخورد بسیار خوب و دوستانه ای داشته و عمر بن الخطاب را از بدرفتاری با ایرانیان منع می کنند که اسلام ستیزان دغل کار این قسمت از داستان را کاملا حذف و قیچی کرده اند!

4) بر اساس قرائن داخلی روایت مورد بحث و روایات مشابه، اصلا و ابدا منظور از «عرب» و «عجم» در روایاتی از این دست نژاد نمی باشد بلکه منظور از «عرب» اهل بیت علیهم السلام و پیروان و شیعیانشان می باشند حتی اگر از نژاد عرب نباشند و منظور از «عجم» کفار و منافقین می باشند حتی اگر از نژاد عرب باشند و خود اهل بیت علیهم السلام چنین فرموده اند و علمای امامیه نیز به این مطلب صراحتا اشاره کرده اند.

5) بسیاری از اصحاب خاص و نزدیکان مورد اعتماد اهل بیت علیهم السلام و شیعیانشان که مورد ستایش ایشان نیز قرار گرفته اند غیر عرب بوده اند و بسیاری از دشمنانشان که مورد لعن و نفرین و تکفیر و تفسیق خداوند و ایشان قرار گرفته اند عرب بوده اند.بنا بر این برداشت ناقص و دروغین اسلام ستیزان جاهل با واقع و حقیقت کاملا تعارض دارد.

6) احادیث و روایات قابل توجهی در مدح ایرانیان از زبان اهل بیت علیهم السلام در مصادر حدیثی و تاریخی وارد شده است که داستان نقل شده در مناقب ابن شهر آشوب (که در بالا بدان اشاره شد) یک نمونه از آن می باشد.(امیر المؤمنین طبق آن روایت، ایرانیان را انسان هایی حکیم و کریم خوانده اند)

7) احادیث و روایات قابل توجهی در نهی از نژاد پرستی در مصادر حدیثی و تاریخی وجود دارد و سیره ی عملی اهل بیت علیهم السلام نیز ثابت کننده ی این مساله است.برخی از روایاتی که بدان اشاره کردیم صراحت در نهی و رد نژادپرستی داشت.

8) هر نوع برداشت نژاد پرستانه از روایات و احادیث کاملا مردود و باطل است چرا که طبق آیات قرآن کریم و سیره ی قطعی و سنت عملی اهل بیت علیهم السلام، ملاک برتری تقوا و ایمان و عمل است و نه نژاد و بر اساس قواعد مسلّم و ثابت در نزد امامیه هر آن چه که با قرآن کریم و سنت قطعیه مخالف باشد مردود و باطل است.

9) روایت مورد استناد اسلام ستیزان از جهت سندی قابل خدشه می باشد گرچه این روایت از نظر متنی فاقد هر نوع اشکال می باشد و با قرار دادن آن در کنار سایر روایات مشابه به معنای حقیقی آن پی می بریم و ثابت می گردد که این روایات اتفاقا در نهی از نژاد پرستی و مدح و ستایش مکتب حقه ی شیعه ی امامیه می باشد.

موفق و مؤید باشید

واحد ادیان، فرق و قومیت های جنبش مصاف (افق)

@masaf_ofogh